

مبانی نظری، اهداف و شیوه‌های جبران خسارات در حقوق رقابت

رضا خشنودی*

رضا علی‌پور**

سیدعلیرضا شکوهیان***

چکیده

نقض قواعد حقوق رقابت علاوه بر اثرات سوء بر کارایی اقتصادی، سبب ورود خسارات به اشخاص نیز می‌شود. از این رو نظام‌های حقوقی با طراحی سازوکارهای قانونی، در صدد مقابله با اعمال ضدرقابتی و جبران ناشی از آن هستند. اما بررسی مبانی نظری ضرر قابل جبران، مقدمه ورود به بحث جبران خسارت از زیان‌دیدگان می‌باشد. وانگهی، از یک سو، مقابله با خسارت ناشی از اعمال ضدرقابتی دارای مقاصد کوتاه‌مدت، از جمله جبران خسارت از زیان‌دیدگان (کارکرد ترمیمی حقوق رقابت) است. از سوی دیگر، با توسل به اعمال «خسارت تنبیهی» می‌توان مانع سوءاستفاده بنگاه اقتصادی از موقعیت خود و شیوع توسل به رویه‌های ضدرقابتی شد. حقوق ما برای مقابله با خسارات یادشده شیوه خاصی را پیش‌بینی نکرده است. با این وجود، با لحاظ ویژگی‌های خاص این دسته از خسارات، بایستی ضمن توجه به مبانی رایج مسئولیت مدنی، اصول حاکم را متناسب با در نظر گرفتن ملاحظات خاص حقوق رقابت، به گونه‌ای تفسیر نمود که خلأ مشهود جبران شود. به همین منظور، در این نوشتار نظریه «ضرورت حمایت از حقوق به رسمیت شناخته‌شده» در نظام حقوقی مطرح شده است تا هم سبب رفع موانعی که استناد به مبانی سنتی مسئولیت مدنی، از جمله نظریه تقصیر ایجاد کرده است، گردد و هم برای تضمین حقوق مورد حمایت در

*دادیار دیوان عالی کشور و مدرس مدعو دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

rkhooshnodi@yahoo.com

rezaalipouur@gmail.com

Shokuhyan_sbu@yahoo.com

**دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

***دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۴/۱۵

حقوق رقابت، طریق اثبات مسئولیت و شیوه جبران خسارت را تسهیل کرد. بنابراین، با تلفیق قوانین موجود به نظر می‌رسد که منشأ اصلی ضرورت حمایت از «حقوق به رسمیت شناخته‌شده» را باید در قانون مسئولیت مدنی، به‌ویژه ماده ۱ آن و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تعدی به این حقوق را باید در سایر قوانین از جمله اصل ۴۴ قانون اساسی جستجو کرد.

کلیدواژه‌ها: حقوق رقابت، خسارات قابل جبران، دعاوی گروهی، کارکرد ترمیمی، کارکرد تنبیهی.

اقتصاددانان افزایش کارایی را امری پسندیده می‌دانند، ولی از منظر علم حقوق، دستیابی به سود بیشتر نباید بی‌جهت به دیگران زیانی وارد نماید. با این حال، انگیزه بنگاه اقتصادی از به کارگیری رویه‌های ضدرقابتهی دستیابی به سود بیشتر است. در این حالت حقوق رقابت، بین سود بنگاه اقتصادی و مصرف‌کننده تعادل برقرار می‌کند که در برخی موارد ورود خسارت به دیگران اجتناب‌ناپذیر است. گویی خسارت یادشده پیامد خارجی^۱ ناشی از رقابت است. امری که به ظاهر ناروا، ولی با اندکی تأمل و تحلیل منطقی از قاعده عقلانی قابل پذیرش است. با این حال چنانچه حقوق رقابت، رویه یادشده را ضدرقابتهی بداند، قواعد عام مسئولیت مدنی در پی ترمیم خسارت وارده و پیشگیری از گسترش این قبیل رفتارها بر خواهد آمد. ولی باید اذعان داشت که مفهوم خسارت و طریقه جبران آن از دیدگاه حقوق رقابت، به رغم اینکه از قواعد عام مسئولیت مدنی تبعیت می‌کند، به جهت خصوصیت آن با سایر حوزه‌ها متفاوت است. بنابراین، امروزه در بیشتر نظام‌های حقوقی به منظور جبران زیان‌های مذکور، نظام مسئولیت مدنی ویژه‌ای طراحی و مفهومی نوین از خسارت مورد استفاده قرار گرفته است.^۲ بررسی اهداف جبران خسارت با در نظر گرفتن خصوصیت زیان‌دیده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نگاه نخست، هدف از جبران خسارت، حمایت از زیان‌دیدگان آن رفتارها با استفاده از کارکرد ترمیمی^۳ مسئولیت مدنی است^۴ که دو راهکار حقوقی دعوی خصوصی و دعوی جمعی طراحی گردید تا خواهان، با توسل به یکی از این دو، خواستار جبران خسارت شود. با این وجود کارکرد سیاست رقابتهی، محدود به تحقق اهداف کوتاه‌مدت، از جمله منع رویه ضدرقابتهی نمی‌گردد. بلکه باید به گونه‌ای تدوین شود تا با تکیه بر جنبه پیشگیرانه، علاوه بر لزوم جبران خسارت، بنگاه اقتصادی را از به کارگیری رویه‌های ضدرقابتهی منصرف نماید.^۵

تحقق چنین اهدافی در حوزه حقوق رقابت از طریق تأسیس «خسارت تنبیهی»^۶ که «تقصیر سودآور» بنگاه‌ها را مجازات می‌کند، بهتر تأمین می‌شود و آن را به

1. Externality
2. Clifford Jones, Clifford, Private Enforcement of Antitrust Law in the EU, UK and USA, London, Oxford University Press, 2010, pp. 113-119.
3. Remedial
4. Douglas Melamed, Douglas, Afterword: The Purposes of Antitrust Remedies, Antitrust Law Journal, vol. 76, 2009, p. 359.
5. Hovenkamp, Herbert, "A Primer on Antitrust Damages", University of Iowa Legal Studies Research Paper, 2011, p. 7.
6. Punitive Damages

کارکردهای رایج مسئولیت مدنی نزدیک می‌سازد. همچنین خسارات همه زیان‌دیدگان را پوشش داده و با حذف زمینه‌های استفاده از رفتار ضدرقابتی از ورود آنها در آینده جلوگیری می‌کند. به همین منظور در بند اول به بررسی نظریات ارائه‌شده و در بند دوم به اهداف و شیوه‌های جبران خسارت ناشی از رویه‌های ضدرقابتی خواهیم پرداخت.

۱. مبانی نظری ضرر قابل جبران در حوزه رقابت

این فصل به پاسخ این سؤال که مبنای جبران خسارات ناشی از ارتکاب رویه‌های ضدرقابتی چیست، اختصاص دارد. بررسی تطبیقی برخی نظام‌های حقوقی انگلوساکسون و حقوق نوشته مبین این واقعیت است که در این باره نظریات متفاوتی ارائه شده است. نقطه مشترک آنها این است که قواعد قابل اعمال مربوط به جبران خسارات ناشی از رویه ضدرقابتی در قالب نظریه‌های رایج در حقوق مسئولیت مدنی بازتعریف می‌شود.

۱-۱. نظام حقوقی عرفی

نظام حقوق عرفی طلایه‌دار حقوق رقابت در جهان محسوب می‌شود. در این نظام اولین بار موضوع حمایت از رقابت در بازار مطرح گشت، همچنین به منظور جبران زیان‌های ناشی از رویه‌های ضدرقابتی، سازوکارهای حقوقی طراحی شد تا بدین وسیله جبران خسارت از زیان‌دیدگان تسهیل شود. مطالعه دو نظام حقوقی آمریکا و انگلستان به عنوان نمایندگان اصلی نظام حقوق عرفی محور این قسمت خواهد بود.

۱-۱-۱. حقوق ایالات متحده آمریکا

آمریکا مهد حقوق رقابت است، زیرا بحران‌های اقتصادی قرن نوزدهم و آثار زیان‌بار ناشی از تمرکز قدرت کارتل‌ها و تراست‌ها، زمینه‌های سوءاستفاده از قدرت اقتصادی برخی بنگاه‌ها را ایجاد کرد. تنها راه‌حل رفع معضلات مربوطه، به‌کارگیری قواعدی بود که نظام حقوقی حقوق رقابت به معنی اعم و حقوق آنتی‌تراست به معنی اخص را تشکیل می‌دادند. در این نظام به منظور حمایت از زیان‌دیدگان رویه‌های ضدرقابتی، نظام مسئولیت مدنی ویژه‌ای شکل گرفت که از طریق آن زیان وارده بدون توجه به نقش تقصیر جبران می‌شود. به نحوی که خواهان مکلف است صرفاً دو موضوع را به اثبات برساند: (۱) اختلال در رقابت از ناحیه خواننده؛ (۲) ورود خسارت به سبب رفتارهای ضدرقابتی به خود. از دیگر ویژگی‌های این نظام، استفاده از روش «حکم به خسارات سه برابر حالت عادی» می‌باشد. یعنی زیان‌دیده علاوه بر درخواست جبران خسارت واقعی، می‌تواند جبران سه برابر خسارت واقعی را نیز از دادگاه بخواهد. مبنای

اصلی اجرای این سازوکار قانونی بخش ۴ از قانون ضدانحصار کلایتون^۱ است^۲ که دیوان عالی کشور آمریکا در آراء متعددی به آن استناد نموده است.^۳ در این روش، علاوه بر جبران خسارت وارده به خواهان، دو هدف اساسی دیگر نیز نهفته است:

(۱) مجازات خواننده دعوا که مرتکب رویه ضدرقابتی گردیده و ناظر به گذشته است؛ (۲) پیشگیری از نقض قواعد آنتی تراست که مربوط به رفتار بنگاه در آینده می‌باشد. البته تعدادی از دادگاه‌های فدرال معتقدند که سازوکار «حکم به خسارات سه برابر حالت عادی» جزء قواعد آمره محسوب می‌شود و صاحب این حق (زیان‌دیده) امکان چشم‌پوشی از آن را ندارد^۴ و طرفین دعوای خسارت نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند.

از دیگر ویژگی‌های حقوق آنتی تراست استناد دادگاه‌ها برای جبران خسارت زیان‌دیدگان به مسئولیت مشترک^۵ عاملان رویه ضدرقابتی است؛^۶ که زیان‌دیده قادر است به هریک از ناقضان قواعد برای دریافت کل خسارت مراجعه نماید و پس از پرداخت کل خسارت توسط یکی از عاملان، مشارالیه می‌تواند به دیگر عاملان زیان به میزان مسئولیت هر یک مراجعه نماید. استفاده از این راهکار به زیان‌دیده این اطمینان را می‌دهد که تمام خسارات را دریافت خواهد کرد.

۱-۲-۱. حقوق انگلستان

در حقوق انگلیس وجود کاستی‌های عمده در نظریات مربوط به مسئولیت مدنی سبب گردید تا حقوق‌دانان رویکردی متفاوت نسبت به مبنای جبران خسارت ناشی از رفتارهای ضدرقابتی داشته باشند. خصوصیت بارز این نظام در جبران «ضرر اقتصادی» است که در مقام مقابله با خسارات ناشی از رویه‌های ضدرقابتی استفاده می‌شود.^۷ بر مبنای ضرر اقتصادی خواهان در دعوای خسارت علیه خواننده باید علاوه بر اثبات قصد اضرار خواننده، غیرقانونی بودن روش‌های به‌کاررفته توسط وی را اثبات نماید.^۸ همچنین علاوه بر ممنوعیت رقابت نامشروع، ارتکاب تخلف اقتصادی به یکی از طرق ذیل موجب مسئولیت است:

1. Clayton Antitrust Act

۲. «هر شخصی که به کسب‌وکار یا اموالش به دلیل اعمال ممنوع در حقوق آنتی تراست ضرر وارد شود، می‌تواند شکایت کند ... و باید سه برابر خسارات او جبران شود...».

3. Agency Holding Corp. v. Malley- Duff & Assocs. Inc. 483 U.S. 143, 151 (1987);

Mitsubishi Motors Corp. v. Soler Chrysler- Plymouth, Inc. 473 U.S. 614, 635 (1985).

4. Mitsubishi Motors Corp. v. Soler Chrysler- Plymouth, Inc. 473 U.S. 614, 637n. 19 (1985).

5. Joint and several liability

6. Burlington Indus. v. Milliken & Co. 690 F.2d 380, 391 (4th Cir. 1982)

7. Jones, Clifford, op. cit. pp. 113- 119.

۸. بادینی، حسن، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری»، فصلنامه حقوق دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۴، ۱۳۹۱، ص. ۶۲.

الف) ترغیب به نقض قرارداد: به طور مثال تولیدکننده الوار چوب با ارائه پیشنهادی فرضی به توزیع‌کننده‌اش، برای جلوگیری از پایین آمدن قیمت عمده‌فروشی و فروش کالاهایش به قیمت سابق، به تشویق توزیع‌کننده به نقض قراردادی که سابقاً با تولیدکننده دیگری که الوار را با قیمت پایین‌تری عرضه می‌کند، می‌پردازد.

ب) ارعاب و تهدید: خواننده با استفاده از تهدید غیرقانونی، دیگری را به اطاعت از خواسته‌های خود به منظور آسیب رساندن به وی وادار سازد. بنابراین تهدید عمدی با توسل به طرق غیرقانونی همچنین قصد زیان رساندن خواننده به مدعی نیاز می‌باشد.^۱

ج) مداخله غیرقانونی در تجارت یا کسب‌وکار خواهان: برای تحقق آن دو عنصر وقوع رفتار غیر قانونی و قصد ورود زیان به دیگری یا برای خواننده، ورود زیان به منافع دیگری در آینده قابل پیش‌بینی باشد، نیاز است.^۲

د) تبانی: دو نفر یا بیشتر به صورت عمدی با همکاری و تبانی یکدیگر به روش‌های غیرقانونی متوسل تا سبب ورود زیان به دیگری شوند.^۳

۲-۱. نظام حقوقی نوشته

در میان کشورهای گروه حقوق نوشته، مطالعه دو نظام حقوقی ایران و فرانسه از این جهت که در هر دو برای جبران خسارات ناشی از رویه‌های ضدرقابتهی مقرراتی وضع شده است و از قواعد کلی مسئولیت مدنی تبعیت می‌شود، مفید است.

۱-۲-۱. حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه رویه قضایی^۴ و دکترین خسارت ناشی از رویه‌های ضدرقابتهی بر اساس قاعده کلی مسئولیت مدنی ناشی از ضمان قهری و نظریه تقصیر قابل جبران می‌دانند. به موجب ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی، هرکس مکلف به جبران خسارات ناشی از

1. Carty, Hazel, *An Analysis of the Economic Torts*, London, Oxford University Press, 2010, pp. 107-120.

2. Jones, Clifford, *op. cit.*, p. 120.

نظام حقوقی انگلستان در مواجهه با خسارات ناشی از رفتارهای ضد رقابتهی و مفاهیمی همچون «ضرر اقتصادی» گرایش به پذیرش چهره‌ای خاص از نظریه تقصیر دارد. یعنی برای تحقق مسئولیت عامل زیان باید قصد نامشروع (عمد) وی نیز اثبات شود.

3. *Ibid*, p.122.

4. Sté Lectiel c/Sté France télécom, 2010, n° 08-20.427 et 08-21.768.

شعبه تجارت دیوان عالی فرانسه در این پرونده رأی دادگاه تجدیدنظر را به این جهت که شرایط موردنظر ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی، از جمله تقصیری که منتهی به ورود خسارت شده است را احراز نکرده بود، نقض کرد.

تقصیر می‌باشد. بر این اساس زیان دیده می‌بایست علاوه بر زیان وارده به خود و تقصیر خواننده، رابطه سببیت میان آن دو را ثابت نماید.

رویه قضایی و دکترین حقوق فرانسه تقصیر را نقض تعهدات قانونی یا قراردادی می‌دانند. از دیدگاه حقوق رقابت هر نوع توافق ضدرقابتی یا سوءاستفاده از موقعیت برتر که به موجب بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۲۰ L قانون تجارت ممنوع اعلام شده‌اند، تقصیر می‌باشد. استناد به نظریه تقصیر در دعاوی مطالبه خسارات دارای ایراداتی است. اولین ایراد مربوط به مشکلات ناشی از اثبات ارکان دعوای مسئولیت، مانند تقصیر خواننده، خسارت وارده به خواهان و رابطه سببیت میان آن دو می‌باشد. مبنای این الزام ماده ۱۳۱۵ قانون مدنی است که مبتنی بر قاعده شناخته‌شده در تمام نظام‌های حقوقی بوده و به موجب آن اثبات هر ادعایی با مدعی است.

این امر با ماده ۲ آیین‌نامه شماره ۱/۲۰۰۳ اتحادیه اروپا که اثبات ادعای ارتکاب اعمال و رویه‌های ضدرقابتی را بر عهده مدعی (شورای رقابت یا خواهان) نهاده است، مطابقت دارد. مشکل بار اثبات در فرضی که خسارت ناشی از رویه هماهنگ است و بدون توافق شکل می‌گیرد یا در موضوع ادغام که ضدرقابتی بودن آن منوط به اثبات امور دیگری مانند بیان رقابتی منفی می‌باشد، بیشتر قابل لمس است، زیرا در این فروض، نه تنها خواهان، بلکه مقامات رسمی تعقیب‌کننده، به دلایل اثباتی و اطلاعات قابل‌استفاده، به جهت سری بودنشان دسترسی ندارند. گاهی موانع دسترسی به اطلاعات، از طرف مقاماتی که وظیفه تحقیق و کشف رویه‌های ضدرقابتی را بر عهده دارند، به منظور ترغیب بنگاه‌های اقتصادی به افشای توافق ضدرقابتی که میان خود منعقد نموده‌اند،^۱ ایجاد می‌شود. در این زمینه دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به موجب نظریه مشورتی خود در قضیه Pflaiderer الزام مقامات دولتی کشف‌کننده رویه ضدرقابتی به همکاری با زیان دیده را تأیید نکرد. در این پرونده، شرکت آلمانی Pflaiderer علیه بنگاه‌هایی که بر اساس تشخیص شورای رقابت با توافق ضدرقابتی کارتل تشکیل داده بودند، مطالبه خسارت کرد. شرکت خواهان از مقامات تعقیب‌کننده خواسته بود تا مستندات کارتل غیرمجاز یادشده را در اختیار او قرار دهند که مورد مخالفت قرار گرفته بود. خواهان به دادگاه شکایت کرد و به استناد مقررات مذکور در مواد ۱۱ و ۱۲ آیین‌نامه شماره ۱/۲۰۰۳ اتحادیه اروپا که تبادل اطلاعات بین کمیسیون اروپایی و شورای رقابت ملی کشورهای عضو را ضروری دانسته بود، نظر مشورتی دادگاه اروپایی را استعلام کرد. دیوان دادگستری در پاسخ تصریح کرد که مقررات موجود،

مقامات صلاحیت‌دار محلی را برای تعقیب و کشف رویه‌های ضدرقابتهی مجبور به اعطای اطلاعات به دست آمده به خواهان نمی‌کند. مع‌الوصف رسیدگی به موضوع تابع قانون ملی کشورهای عضو است. بهر همین اساس، دادگاه رسیدگی‌کننده تقاضای یادشده را رد کرد.

دومین ایراد مشکلات ناشی از محدودیت‌های مربوط به تعیین خسارات قابل جبران است، زیرا صرفاً خسارات مادی مستقیم و قطعی قابل جبران هستند. حال آنکه دامنه خسارات وارده که از نقض قواعد حقوق رقابت ناشی می‌شود، به مراتب گسترده‌تر است و همه خسارات از جمله خسارات پنهان از قبیل زیان وارده به محیط زیست، خساراتی که از افزایش قیمت حاصل از حذف رقبا در بازار پس از رویه ضدرقابتهی به زیان‌دیدگان (بازار، مصرف‌کنندگان و رقبا) وارد شده است، مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد و یا قضاوت رسیدگی‌کننده طریق یکسانی جهت برآورد آن ندارند.

۱-۲-۲. حقوق ایران

در پاسخ به این سؤال که مبنای جبران خسارت ناشی از رفتار ضدرقابتهی کدام‌یک از نظریات رایج در مسئولیت مدنی است، اجماع روشنی بین حقوق‌دانان وجود ندارد. به این سان که برخی به نظریه تقصیر استناد کرده‌اند.^۱ رویه قضایی نیز در شرایطی نیست که بتواند خلأ مشهود را جبران کند. در توجیه نظریه تقصیر می‌توان گفت که قانون‌گذار با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، رویه‌های ضدرقابتهی را ممنوع دانسته و نقض مقررات یادشده، تقصیر و مرتکب مسئول خسارات ناشی از عمل خود می‌باشد. همچنین ماده ۶۶ به لزوم جبران خسارت زیان‌دیدگان ناشی از رویه‌های ضدرقابتهی اشاره دارد.^۲ ولی باید اذعان داشت که نظریه مسئولیت نوعی و مبتنی بر تقصیر، مبنای مناسبی برای جبران خسارت نمی‌باشند. عدم اشاره قانون‌گذار به مبنای مسئولیت مدنی عاملان رویه‌های ضدرقابتهی، ابهاماتی در توجیه اسباب این الزام ایجاد کرده که برای رفع آنها بایستی پاسخ قاطع یافت.

با استقراء از مقررات موجود استنباط می‌گردد که مبنای مسئولیت خواننده، بر نظریه ضرورت حمایت از «حقوق به رسمیت شناخته‌شده» استوار می‌باشد. این نظر با لحاظ رعایت حرمت مال مسلمان و ضرورت جبران خسارت وارده، با قاعده لاضرر، به

۱. غفاری فارسانی، بهنام، حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳، صص. ۵۰۹ به بعد.
 ۲. ماده ۶۶: «شخص حقیقی و حقوقی خسارت‌دیده از رویه‌های ضد رقابتهی، می‌توانند ظرف یکسال از زمان قطعیت تصمیمات شورای رقابت یا هیئت تجدیدنظر مبنی بر اعمال رویه‌های ضد رقابتهی، به منظور جبران خسارت به دادگاه صلاحیت‌دار دادخواست دهند. دادگاه زمانی به دادخواست رسیدگی می‌کند که خواهان رونوشت رأی قطعی شورای رقابت یا هیئت تجدیدنظر را به دادخواست مذکور پیوست کرده باشد.»

رغم طرح برخی اشکالات، مطابقت دارد. در توجیه باید گفت که قانون‌گذار، حقوقی را برای مصرف‌کنندگان، بنگاه‌های اقتصادی و بازار به رسمیت شناخته که استیفای آنها صرفاً در بازاری که قواعد حقوق رقابت در آن رعایت می‌شود، میسر است. به همین اعتبار صرف تعدی به حقوق یادشده به سبب نقض حقوق رقابت، بدون اثبات عنصر تقصیر برای جبران خسارات کافی می‌باشد. در نتیجه با فرض احراز ضدرقابتی بودن عمل زیان‌بار، فاعل مکلف به جبران خسارات بر اساس قواعد کلی مسئولیت مدنی خواهد بود. وانگهی، رقابت نامشروع و رویه‌های ضدرقابتی واجد وصف مجرمانه بوده که احراز آن، زیان‌دیده را از اثبات تقصیر خوانده بی‌نیاز می‌سازد و صرف اثبات وجود رابطه علیت بین ضرر وارده و عمل یادشده برای جبران خسارت کافی است. همچنین قابلیت تعقیب کیفی رویه‌های ضدرقابتی دارای مزایایی، از جمله سریع و ارزان بودن آن است که به تسهیل تعقیب دعوی مطالبه ضرر ناشی از جرم منتهی می‌شود. بنابراین توجیه ضرورت جبران خسارت نیازی به اثبات تقصیر ندارد، زیرا نفس ارتکاب رقابت نامشروع و نقض قواعد حقوق رقابت به جهت نتایج زیان‌باری که برای رقبای بازار و مصرف‌کنندگان خواهد داشت، به استناد نصوص قانونی ممنوع شده است. از میان مقررات موردنظر علاوه بر اصولی از قانون اساسی که تضمین‌کننده مالکیت و کسب سود مشروع و حرمت تعدی به حقوق اشخاص است، به مقررات زیر اشاره می‌گردد:

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به حقوق قابل حمایت اشاره کرده است. ماده ۸ نیز دامنه خسارت قابل جبران را گسترش داده است. بنابراین، زیان ناشی از تضییع «هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده» همانند خسارات وارده به «حیثیت یا شهرت تجاری» اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی جزء «حقوق»ی آمده است که خسارات وارده بر آنها قابل مطالبه می‌باشد.^۱ علاوه بر این، با تصویب قانون مسئولیت مدنی، چرخشی عمده به سود نظریه تقصیر در نظام حقوقی صورت گرفت که به معنای نفی مسئولیت عینی نمی‌باشد. بلکه قانون‌گذار خواسته مسئولیت ناشی از تقصیر را قاعده قرار دهد و ایجاد مسئولیت عامل زیان را منوط به تحقق ارکانی همچون «عمد یا بی‌احتیاطی» نماید.

همچنین باید حکم این ماده را در کنار ماده ۶۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تحلیل کرد. یعنی هرگاه نقض قواعد حقوق رقابت منجر به تعدی به یکی از «حقوق به رسمیت شناخته‌شده» گردد، بدون نیاز به احراز تقصیر عامل باید خسارت جبران شود، زیرا قانون مسئولیت مدنی در مقام قاعده قرار دادن

۱. بادینی، حسن، منبع پیشین، ص. ۶۶.

مسئولیت مبتنی بر تقصیر بوده و نافی تمامی مبانی مسئولیت بدون تقصیر نیست. گویی منشأ اصلی ضرورت حمایت از «حقوق به رسمیت شناخته شده» در قانون مسئولیت مدنی و مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تعدی به این حقوق را در سایر قوانین دیگر از جمله اصل ۴۴ باید جستجو کرد. در نتیجه، می‌توان خسارت ناشی از کم شدن یا در معرض از بین رفتن منافع مشتریان به وسیله «سایر وسایل مخالف با حسن نیت» را قابل جبران دانست و نتیجه را با توجه به تمثیلی بودن علت ورود خسارت، به سایر موارد از جمله حمایت از حق بنگاه اقتصادی بر «حفظ موقعیت خود» در بازار تعمیم و خسارت ناشی از تضییع آن را توسط رقبا جبران نمود.

۲. اهداف شیوه‌های جبران خسارت در حقوق رقابت

در این فصل هدف از جبران خسارت از منظر حقوق رقابت که در بر گیرنده اهداف عام و خاص است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سازوکارهای گوناگون حقوق رقابت برای مقابله با اعمال ضد رقابتی (که منشأ ورود خسارت است)، اهداف متعددی را دنبال می‌کند. این اهداف در سطح خرد در صدد دستیابی به مقاصد کوتاه مدت و در سطح کلان به دنبال تحقق ملاحظات بلندمدت می‌باشند. شاید آشکارترین هدف سیاست‌های مورد نظر در سطح خرد «جبران خسارت» زیان دیده و به بیان دیگر هدف ترمیمی باشد.^۱ اما در سطح کلان اهدافی همچون بازدارندگی یا مجازات متخلفان مورد توجه قرار می‌گیرند. وانگهی، جبران خسارت در حقوق رقابت با استفاده از راهکارهای حقوقی مختلف محقق می‌شود که هر یک دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشد. بر این اساس در گفتار نخست به بررسی اهداف چندلایه جبران خسارت در حقوق رقابت و گفتار دوم به شیوه‌های جبران خسارت خواهیم پرداخت.

۲-۱. اهداف جبران خسارت در حقوق رقابت

در هر نظام حقوقی، سیاست رقابتی در جهت جلوگیری از ایجاد انحصار و حفظ رقابت در بازار در نهایت تضمین ثبات نظام اقتصادی با منع توسل به رویه‌های ضد رقابتی تدوین می‌شود. بدین سان رفتار بازیگران عرصه بازار با الزام آنان به رعایت قواعد بازی و همچنین اجرای ضمانت‌های اجرایی کنترل می‌شود. اما سیاست‌های تدوین شده در جهت حصول به اهدافی معین به کار گرفته شده‌اند. بدون شک مهم‌ترین دسته از اهداف خرد، هدف ترمیمی می‌باشد. در وهله دوم این سیاست‌ها در راستای

1. Melamed, Douglas, op. cit.

تحقق اهدافی کلان می‌باشند. در پرتو این سیاست‌ها با پیشگیری از وقوع رویه‌های ضدرقابتی بازار، در نهایت کل نظام اقتصادی - حقوقی جامعه در آینده از آسیب‌های ناشی از توسل به رویه‌های ضدرقابتی مصون خواهد بود.

۲-۱-۱. اهداف ترمیمی

یکی از آثار زیان‌بار تمسک به رویه‌های ضدرقابتی، ورود خسارت به افراد و جامعه است که بعضاً منتهی به اختلال شدید در اقتصاد و هدر رفتن سرمایه ملی خواهد شد. در سطح خرد، جبران خسارت از زیان‌دیدگان و ترمیم وضعیت آنها هدف اصلی سیاست‌های اعمالی در حقوق رقابت می‌باشد تا وضعیت زیان‌دیدگان به حالت قبل از ورود ضرر بازگشته و هدف سنتی نظام مسئولیت‌مدنی (جبران هرگونه خسارت به افراد) تأمین گردد. بدین صورت با به‌کارگیری اقدامات پیشگیرانه در راستای حصول اهداف ترمیمی، حقوق رقابت قادر خواهد بود پیامدهای خارجی ایجاد شده به وسیله مرتکبین رویه‌های ضدرقابتی را مدیریت نماید. در راستای همین هدف ترمیمی، نامشروع بودن این فعل زیان‌بار به استناد ماده ۶۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از سوی شورای رقابت به اثبات می‌رسد که دادگاه باید بر اساس اصول حاکم بر مسئولیت مدنی، از جمله لزوم مستقیم بودن خسارت وارده، میزان خسارت را تعیین نماید.

۲-۱-۲. اهداف بازدارنده

نقش رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق در توجه به جایگاه شیوه‌های بازدارنده، سبب توسعه این روش‌ها در حقوق مسئولیت مدنی گردیده که بدون کمک این پارادایم مدرن حقوقی و اقتصادی امکان‌پذیر نبود. یعنی در نظام حقوق رقابت جلوگیری از ورود خسارت ناشی از اعمال ضدرقابتی، با استفاده از شیوه‌های بازدارنده میسر است، یعنی توسل صرف به روش‌های گوناگون جبران خسارت، به تنهایی اهداف حقوق رقابت را تأمین نمی‌سازد. از همین رو مبنای منطقی اقداماتی که در مواجهه با خسارت ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت به مرحله اجرا در می‌آید، جبران خسارت از زیان‌دیده و بازدارندگی می‌باشد.^۱

هدف سازوکار اجرایی که بر مبنای منطق جبران خسارت زیان‌دیده طراحی می‌شود، بازگرداندن وضعیت وی به موقعیت قبل از وقوع اقدام ضدرقابتی است. اما هدف سازوکار عملی که مبتنی بر منطق بازدارندگی است، تبدیل اقدامات ضدرقابتی به تخلفاتی بی‌فایده است. بدین معنا که هزینه‌های رفتارهای ضدرقابتی باید به متخلفین

1. Hovenkamp, Herbert, op. cit.

بالفعل و بالقوه تحمیل گردد. بر همین اساس روش‌های به‌کار گرفته‌شده برای مقابله با رفتارهای ضدرقابتی اغلب مبتنی بر منطق بازدارندگی است تا با افزایش هزینه‌های توسل به اقدامات ضدرقابتی، آن رفتارها ناکارآمد گردد. در نتیجه بر مبنای قاعده ریاضی، رابطه‌ای منطقی بین سود مورد انتظار از رفتارهای ضدرقابتی و میزان خساراتی که متخلف باید در صورت شناسایی عمل خلافش بپردازد، وجود دارد. یعنی چنانچه هزینه‌های رفتارهای ضدرقابتی افزایش یابد، متخلفان بالقوه با محاسبه منافع ناشی از عمل ضدرقابتی، به این نتیجه می‌رسند که عمل آنان در موقعیت جدید فاقد توجیه اقتصادی است، زیرا هزینه‌های عمل آنها بر فواید آن غلبه دارد. بنابراین از اعمال آنها در آینده جلوگیری می‌شود.^۱

به رغم اینکه پرهزینه ساختن اعمال ضدرقابتی برای متخلفان، منطبق با کارکردهای دوگانه جبرانی و بازدارنده مسئولیت مدنی بوده و ماهیتی حقوقی دارد، استفاده از راهکار تعقیب کیفری، به عنوان ابزاری در اختیار نهاد عمومی نیز می‌تواند تأثیر قابل توجهی در پیشگیری از رفتارهای ضدرقابتی داشته باشد.^۲ استفاده از راهکار کیفری برای مقابله با رفتارهای ضدرقابتی خالی از اشکال نیست، زیرا ضمانت اجرای کیفری محدود به تعیین مجازات نقدی یا تحمیل حبس می‌گردد. وانگهی، هرچند اعمال مجازات دارای جنبه بازدارندگی است، ولی ترجیح هریک بر دیگری دارای قاعده خاص نمی‌باشد. از مباحث مهم این است که کدام یک از ابزارها در مواجهه با تخلفات حقوق رقابت مناسب‌تر می‌باشد، زیرا در شناسایی اقدام بازدارنده کارآمد باید میزان هزینه‌ای که برای جامعه همچنین میزان قابلیت آن سازوکار در راستای پرهزینه ساختن اعمال ضدرقابتی برای متخلفان مدنظر قرار گیرد تا بتوان سیاست کیفری کارآمدی را به کار بست که علاوه بر جنبه بازدارندگی، مانع شکوفایی اقتصادی و سبب حذف بنگاه اقتصادی متخلف از عرصه بازار نشود و حداقل هزینه را برای جامعه به همراه داشته باشد. با در نظر گرفتن نکات یادشده می‌توان ضمن رفع مشکلات مربوطه، کارآمدی سیاست‌های کیفری حقوق رقابت را اثبات کرد.^۳

1. Ibid, p.7

2. Gallo, Joseph; and others, Criminal Penalties under the Sherman Act: A Study of Law and Economics, Research in Law and Economics (Book Series), Vol. 16, 1994, p. 56; Lande, Robert; and Joshua Davis, "Comparative Deterrence from Private Enforcement and Criminal Enforcement of the U.S. Antitrust Laws", University of San Francisco Law Research Paper No 14, 2010, p. 1.

3. Landes, William; and Richard Posner, "The Private Enforcement of Law, *The Journal of Legal Studies*", vol. 4, No. 1, 1975, pp. 652-653.

بنابراین هدف بازدارندگی در سازوکارهای جبران خسارت ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت در دو سطح قابل توجه است. اول بازدارندگی خاص و دوم بازدارندگی عام. منظور از بازدارندگی خاص، منع هر یک از بنگاه‌های اقتصادی در به کارگیری رویه‌های هماهنگ ضدرقابتهی آینده است. همچنین اهداف بازدارندگی به ابعاد کلان یعنی به کل جامعه گسترش یافته و هشدار می‌دهد که برای سایر افراد جامعه بالأخص مجرمان بالقوه تا با شناخت عواقب سنگین توسل به اقدامات ضدرقابتهی، ارزیابی دقیق تری نسبت به تصمیمات خود داشته و با شناخت هزینه‌های بالای اعمال نقض کننده قانون، از ارتکاب آن اعمال منصرف گردند.^۱

نظام حقوق رقابت در ایران نیز بر اساس قواعد موجود در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سعی در بالا بردن هزینه انجام اقدامات ضدرقابتهی داشته است. احکامی همچون انتشار تصمیمات واجد جنبه عمومی در جراید کثیرالانتشار (تبصره ماده ۶۳)، عزل مدیرانی که برخلاف مفاد ماده ۴۶ انتخاب شده‌اند (بند ۵ ماده ۶۱)، واگذاری سهام یا سرمایه حاصل از نقض مفاد ماده ۴۷ (بند ۶ ماده ۶۱) و همچنین امکان محکومیت ناقضان ماده ۴۵ این قانون به جریمه نقدی معادل ده میلیون ریال تا یک میلیارد ریال (بند ۱۲ ماده ۶۱) از جمله راهکارهای قانونی موجود برای سنگین تر کردن هزینه بنگاه‌های اقتصادی متخلف می‌باشد. حتی ماده ۸۴ این قانون، برای جلوگیری از کم‌رنگ شدن بازدارندگی مبالغ جزای نقدی، مقرر کرده است که این مبالغ هر سه سال یک بار تعدیل شوند. لذا به نظر می‌رسد قوانین فعلی ظرفیت مناسبی برای ایجاد بازدارندگی داشته باشند.

۲-۱-۳. اهداف تنبیهی

باید تصریح کرد که کارکرد ترمیمی جبران خسارت بدون توجه به کارکرد تنبیهی آن، اهداف نظام حقوقی را در مقابله با رویه‌های ضدرقابتهی محقق نخواهد کرد. بنابراین باید به دنبال راهکاری بود تا علاوه بر تأمین اهداف ترمیمی و بازدارندگی، جنبه تنبیهی نیز داشته باشد. استفاده از ابزار «خسارت تنبیهی»^۲ می‌تواند سیاست رقابتهی را تکمیل کند. هر چند خاستگاه اصلی این سازوکار حقوقی در نظام مسئولیت مدنی و کاربرد اساسی آن در جبران خسارت از زیان دیدگان نهفته است، اما نکته‌ای که آن را از دیگر جنبه‌های جبران خسارت متمایز می‌سازد، میزان مازاد خسارت تنبیهی نسبت به خسارت واقعی است.

1. Koziol, Helmut; and Vanessa Wilcox (eds.), Punitive Damages: Common Law and Civil Law Perspectives, New York, 2009, pp.178-179.
2. Punitive Damages

در خصوص خسارت تنبیهی تحقیقات گسترده‌ای در حقوق آمریکا و اروپا انجام شده و ابعاد مختلف خصوصیات این شیوه مورد بررسی قرار گرفته است.^۱ این نهاد حقوقی دارای سه هدف بنیادین می‌باشد: الف) جبران خسارت زیان‌دیده، ب) تنبیه زیان‌زننده، ج) بازدارندگی.

در حقوق رقابت گاه در مقابل رفتارهای ضدرقابتی از این سازوکار حقوقی استفاده شده است. مصداق بارز آن را می‌توان در مورد سه برابر کردن خسارت قابل پرداخت مشاهده نمود. اما باید توجه داشت که هنوز بهره‌گیری از این شیوه در بسیاری از کشورها رایج نشده است. بنابراین دادگاه‌ها تمایل چندانی در استفاده از خسارت تنبیهی برای جبران خسارت زیان‌دیدگان ندارند.

در حقوق سنتی کاملاً موارد استفاده از خسارت تنبیهی محدود به مصادیق خاصی مانند مواردی که زیان شامل شرافت زیان‌دیده بوده است، می‌باشد. اما در حقوق آمریکا، دادگاه‌ها و قانون‌گذار مصادیق استفاده از این راهکار را گسترش داده‌اند و اجازه بهره‌گیری از خسارت تنبیهی در موضوعات مدنی نیز فراهم آمده است. اما با این پیش‌شرط که تخلف خواننده به میزان کافی نامناسب باشد و تنها موضوعات محدودی مشمول خسارت تنبیهی قرار می‌گیرد. همچنین بیشتر ایالات قوانینی مربوط به میزان خسارت تنبیهی تصویب کرده‌اند و معمولاً هنگامی اعمال می‌شود که تخلف خواننده با سوءنیت، تحمل‌ناپذیر، فاحش، عمدی یا متقلبانه صورت گرفته باشد. اما دادگاه‌ها در صدور حکم به خسارت تنبیهی علیه خواننده علاوه بر عنصر اهمیت عمل خلاف قانون، به توانایی خواننده در پرداخت خسارت نیز توجه می‌کنند.^۲ در مورد اعمال ضدرقابتی که سبب وقوع خسارت به زیان‌دیدگان می‌گردد، توسل به سازوکار خسارت تنبیهی باید با اهداف برشمرد شده این نهاد حقوقی متناسب باشد تا از یک سو با اعمال این روش تمام خسارات زیان‌دیده پوشش داده شود و از سوی دیگر جنبه بازدارندگی که ناظر به آینده است، تحقق یابد. بنابراین به رغم فواید اعمال خسارت تنبیهی، دادگاه‌ها نمی‌توانند آن را به سایر موارد مشابه تعمیم دهند، زیرا میزان آن مازاد بر خسارت واقعی وارده به زیان‌دیده است و کاربردی استثنایی دارد. بنابراین باید به کارکردها و اهداف این راهکار حقوقی و شدت و کیفیت عمل ضدرقابتی خواننده و همچنین توانایی به پرداخت آن و حفظ امکان ادامه فعالیت او توجه ویژه داشت.

در حقوق ایران بحث به گونه‌ای دیگر خواهد بود. اصولاً شخص زیان‌دیده نمی‌تواند خسارت تنبیهی مطالبه کند و دریافت خسارت، تنها در حد ترمیم زیان‌ها

1. Polisky, Mitchell; and Steven Shavell, "Punitive Damages: An Economic Analysis", Harvard Law Review, vol. 111, 1998.
 2. Ibid, p. 75.

خواهد بود. اما به نظر می‌رسد که در مقررات جاری کشور سعی شده تا اهداف ناشی از خسارات تنبیهی از طریق اعمال برخی مجازات‌ها تحصیل شود. در نظر گرفتن حبس تعزیری برای افشای اطلاعات داخلی شرکت‌ها (ماده ۷۵) و مجازات مدیران اشخاص حقوقی متخلف و مسئولیت کیفری حقوق‌بگیران اشخاص حقوقی در صورت وجود عمد یا تقصیر آنان (بندهای ۱ و ۲ ماده ۷۹) بخشی از راهکارهای مندرج در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌باشد.

۲-۲. طرق جبران خسارت در حقوق رقابت

شناخت زیان‌دیدگان رویه‌های ضدرقابتی ساده نیست، زیرا با وقوع آنها علاوه بر اختلال در رقابت، سایر رقبا، بازار و مصرف‌کنندگان منافع اقتصادی خود را از دست خواهند داد. بر این اساس سیاست‌های طراحی‌شده در راستای مقابله با رویه‌های ضدرقابتی بایستی علاوه بر شناسایی خسارات قابل جبران، ضابطه‌ای دقیق برای تعیین زیان‌دیده در اختیار داشته باشد. در این فرصت به اجمال اشاره خواهد شد که چگونه خسارت زیان‌دیدگان جبران می‌شود. هدف مذکور که در پی ترمیم وضعیت فعلی آسیب‌دیدگان است، می‌تواند با استفاده از سازوکارهای گوناگونی محقق گردد. وانگهی، به کارگیری هریک از شیوه‌ها با توجه به متفاوت بودن خسارات وارده از یک طرف و زیان‌دیدگان آن از طرف دیگر یکسان نخواهد بود. بر این اساس امروزه دو شیوه طرح دعوی خسارت علیه عاملان زیان‌مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی دعوی خصوصی و دعوی جمعی به عنوان شیوه جبران خسارات ناشی از اعمال ضدرقابتی و ارزیابی کارآمدی این شیوه‌ها موجب شناسایی کاستی‌های حقوق داخلی خواهد شد.

۲-۲-۱. سازوکار دعوی خصوصی

در حقوق رقابت یکی از مباحث چالش‌برانگیز، پیرامون راهکارهای اجرای عمومی یا خصوصی قواعد رقابت مطرح می‌گردد. بر همین اساس نظام‌های حقوقی گوناگون در دنیا بعضاً به سمت یکی از این روش‌ها گرایش بیشتری پیدا کرده‌اند^۱ که امروزه دو رویکرد در این زمینه وجود دارد.^۲ اجرای خصوصی قواعد رقابت بدان معناست که

1. Segal, Ilya; and Michael Whinston, "Public vs. Private Enforcement of Antitrust Law: A Survey", John M. Olin Program in Law and Economics, Stanford Law School, Working Paper No.335, 2006.

۲. در اجرای هریک از این مکانیسم‌ها و رویکرد مبتنی بر آن، اهداف خاصی غلبه دارد. در مکانیسم اجرای عمومی، اهدافی مانند حداکثرسازی ثروت اجتماع، گسترش اجرای قانون، بازدارندگی از اعمال نقض‌کننده قواعد حقوق رقابت، مجازات متخلفین را پی می‌گیرد، اما در مکانیسم‌های اجرای خصوصی، اهداف بیشتر حول محور دستیابی به عدالت اصلاحی (ترمیمی) از طریق جبران خسارت یا به گفته عده‌ای از تحلیلگران اقتصادی حقوق،

اشخاص خصوصی علیه بنگاه‌هایی که مرتکب رفتارهای ضد رقابتی شده‌اند، اقدام به طرح دعوا نموده و هدف اصلی جبران خسارات ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت است. ویژگی‌های متعدد اجرای خصوصی قواعد سبب شده تا برخی از اقتصاددانان و حقوق دانان این سازوکار را کارآمد قلمداد نموده، در نتیجه اعمال آن را در مورد مطالبه خسارت توسط زیان‌دیدگان توصیه نمایند.

فواید استفاده از این شیوه غیرقابل انکار است، زیرا از یک سو اصولاً مقامات عمومی فاقد منابع کافی برای تحقیق و تعقیب هر یک از اعمال نقض‌کننده حقوق رقابت هستند. در نتیجه به دلیل انتقال بار مالی این امور به شاکیان خصوصی از طریق مکانیزم دعاوی خصوصی، این امکان فراهم می‌گردد تا کمبود منابع مالی دولت‌ها سبب عدم جبران خسارت از زیان‌دیدگان نگردد. وانگهی، این افراد در قالب روش مزبور اختیار عمل را در دست گرفته و حداکثر توان خویش را در راستای تأمین منافعشان (که مهم‌ترین آنها جبران خسارت از خویش می‌باشد) به کار خواهند گرفت. همچنین سازوکاری که با مهیا کردن شرایط مناسبی برای افراد خصوصی ناقضان را پیش از اقدام مقامات عمومی به چالش کشیده و تخلفات آنها از طریق اقامه دعوا مورد پیگیری قرار گرفته و اجرای قواعد حقوق رقابت در آینده تضمین خواهد شد.

اجرای خصوصی دعوی خسارت ناشی از رویه‌های ضد رقابتی بنا به جهات فوق، در حقوق آمریکا تثبیت گردیده و در سطوح کمتری، در دیگر کشورهای کاملاً هم مورد اجرا گذاشته شد. اما در اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو، به ندرت از مکانیزم مذکور استفاده می‌کنند.^۱

در سال ۲۰۰۱ در دعوی مسئولیت مدنی که در دادگاه‌های انگلستان و ولز طرح شد^۲ این پرسش به میان آمد که آیا امکان اقامه دعوی خسارت ناشی از نقض قواعد رقابت در اروپا توسط اشخاص خصوصی علیه یکدیگر وجود دارد یا خیر. در نهایت دادگاه اتحادیه اروپا برخلاف رویه معمول «مسئولیت مدنی اشخاص خصوصی در مقابل یکدیگر را پذیرفت». به موجب رأی دادگاه حق خصوصی اقامه دعوی خسارت، ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت تقویت شد و مانع توافقات یا شیوه‌هایی گردید که غالباً به

← ایجاد انگیزه برای افراد خصوصی به عنوان عاملین اجرای خصوصی قواعد، با پرداخت جوایز نقدی احتمالی در قالب جبران خسارت، به گردش در می‌آید. رک:

Wouter, Wils, "Should Private Antitrust Enforcement Be Encouraged in Europe?" World Competition, vol. 26, Issue 3, 2003, p. 8.

1. Segal, Ilya; and Michael Whinston, op.cit, p.1.

2. Case C-453/99, Courage Ltd v. Bernard Crehan and Bernard Crehan v. Courage Ltd and Others, 2001, E.C.R. I-6297.

صورت پنهانی واقع شده و سبب محدود شدن رقابت است. این امر در نهایت سهم قابل توجهی در حفظ رقابت مؤثر در جامعه خواهد داشت.^۱

در تصمیم اخیر دادگاه نیز اتحادیه اروپا در دعوی بین دو شخص خصوصی در اسپانیا، قضاوت دادگاه بار دیگر بر اهمیت اجرای خصوصی قواعد در راستای حصول اطمینان از کارآمدی قوانین تأکید نمودند.^۲ با تصویب قوانین جدید توسط شورای مقررات گذاری جامعه اروپا، انتظار می رود قواعد رقابت در کشورهای اتحادیه اروپا، مکانیزم اجرای خصوصی بالأخص موضوع اقامه دعوی خسارت را تشویق نماید.^۳ در نهایت کمیسیون اروپایی با انتشار طرحی، کوشش نمود تا اقامه دعوی خصوصی خسارت را با اعمال تغییراتی در قواعد رسیدگی در این حوزه و سایر قوانین اساسی تسهیل سازد.

مکانیزم اقامه دعوی خصوصی خسارت در حقوق آنتی تراست آمریکا از جایگاه برجسته ای برخوردار است. بخش چهارم از قانون کلایتون^۴ حق طرح دعوی خسارت توسط افراد خصوصی را به رسمیت شناخته و با اشاره به سازوکار سه برابر کردن خسارات، زیان دیدگان خصوصی به اقامه دعوی خسارت تشویق می گردند. همچنین بخش پنجم^۵ با معلق ساختن محدودیت های قانونی مربوط به اقامه دعوی خصوصی خسارت برای چهار سال، توسل به این شیوه قانونی را تسهیل ساخته است. در نهایت بخش شانزدهم آن^۶ با فراهم کردن حقوق مخصوص برای هر شخص، بنگاه، شرکت یا انجمن برای اقامه دعوی خسارت ناشی از نقض قواعد آنتی تراست، سبب تثبیت و اجرای گسترده مکانیزم دعوی خصوصی خسارت در حقوق آمریکا گردیده است.^۷ وجود این شرایط سبب شده است که در عمل بیش از نود درصد دعوی آنتی تراست در آمریکا در قالب دعوی خصوصی طرح گردد، به شکلی که برخی از حقوق دانان دعوی خسارت در آنتی تراست را با دعوی شبه جرم عادی قابل مقایسه دانسته اند. برای مثال در سال ۲۰۰۲ در دعوی خسارت ناشی از نقض قانون شرمن، دادگاه حکم به پرداخت ۱/۰۵ میلیارد دلار خسارت بر علیه خوانده دعوا صادر نمود.^۸

1. CaseC-453/99, Ibid, p.27.

2. CaseC-253/00, Antonio Mufioz y Cia.Superior Fruiticola SA v.Frumar Ltd, Redbridge Produce Marketing Ltd, 2002 E.C.R.1-7289.

3. Council Regulation No.1/2003 of 2002, Implementation of the Rules on Competition Laid Down in Articles 81 and 82 of the Treaty, 2003.

4. §4Clayton Act, 15USC§15.

5. §5Clayton Act, 15USC§16(Tunney Act).

6. §16Clayton Act, 15 USC§26.

7. Wouter, Wils, p. 114.

8. Conwood Company, L.P.v.U.S. Tobacco Co.290 F.3d769 (2002).

حقوق ایران امکان ورود خسارت به افراد حقیقی و حقوقی در اثر رویه‌های ضدرقابتهی مندرج در فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی را پیش‌بینی کرده است. با توجه به ماده ۶۶ قانون اخیر، زیان‌دیدگان بدون اثبات ضدرقابتهی بودن عمل، امکان مراجعه مستقیم به دادگاه عمومی برای جبران خسارت وارده را ندارند.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد که مکانیزم دعوی خصوصی خسارت ناشی از رویه‌های ضدرقابتهی در حقوق ایران مورد پذیرش قرار نگرفته و حق اشخاص خصوصی به اقامه دعوی خسارت (اجرای خصوصی قواعد) موکول به تصمیم یک نهاد عمومی گردیده است.

۲-۲-۲. سازوکار دعوی جمعی

دعوی جمعی از شیوه‌های مناسب طرح دعوی مسئولیت مدنی بوده که به عنوان تضمینی مناسب برای مطالبه خسارت از طرف تعداد زیادی از زیان‌دیدگان یاد می‌شود تا بتوانند حقوقشان را به صورت کارآمد اعمال نمایند. استفاده از این تأسیس حقوقی زمانی مؤثر است که تعداد زیادی به سبب واحدی آسیب دیده و متفقاً جبران خسارت را مد نظر دارند، اما به جهت آنکه خسارت هر یک از زیان‌دیدگان اندک است و اقامه دعوی مستقل از سوی هریک از آنها به دلیل عدم تناسب هزینه‌های مربوطه و سود حاصل، از لحاظ اقتصادی مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود، همه زیان‌دیدگان انگیزه‌ای برای اقامه دعوی خسارت ندارند. بنابراین هدف جبران خسارت و حمایت از افراد زیان‌دیده در مقابل اقدامات ضدرقابتهی بنگاه‌ها تأمین خواهد شد.^۲

نهاد دعوی جمعی در حقوق آمریکا به موجب قانون ۲۳ از مجموعه قوانین فدرال درباره آیین دادرسی مدنی مورد پذیرش قرار گرفته تا در دعوی خسارت ناشی از نقض قواعد رقابت استفاده گردد. کارآمدی این شیوه در حقوق آنتی‌تراست سبب استفاده گسترده در دعوی خسارت گردیده به شکلی که مطابق آمارهای ثبت‌شده دادگاه فدرال در سال ۲۰۰۲ اشخاص خصوصی بیش از ۱۰۰ پرونده دعوی جمعی در دعوی آنتی‌تراست در دادگاه‌های ناحیه فدرال طرح نموده‌اند.^۳ در حقوق انگلستان دعوی

۱. بادینی، حسن، منبع پیشین، ص. ۷۶.

۲. در بسیاری از مواقع ادعای خسارت هریک از افراد اندک است، اما زیان وارده به مجموع زیان‌دیدگان بعضاً بسیار عظیم است؛ اما به دلیل آسیب اندک و هزینه‌های بالای طرح دعوا، به هیچ عنوان طرح دعوی خسارت به صورت جداگانه توسط افراد زیان‌دیده از لحاظ اقتصادی توجیه نخواهد داشت. بدین شکل متخلفین به دلیل عدم پرداخت هرگونه هزینه برای اعمال ضد رقابتهی خویش، به تکرار آن در آینده ادامه می‌دهند و متخلفین در سایه خلأ ایجادشده به تکرار اعمال مزبور تشویق می‌گردند؛ اما طراحی مکانیزم دعوی جمعی سبب خواهد شد متخلفین از پیگرد قانونی مصون نمانده و از ائتلاف منابع مالی عظیمی توسط این افراد ممانعت به عمل آید.

3. Ibid.

جمعی می‌تواند قبل از دادگاه‌های مدنی طرح شود. همچنین قانون شرکت‌ها^۱ مصوب ۲۰۰۲، به اصلاح قانون رقابت انگلستان پرداخته و صریحاً حق بر خسارت که شامل ادعای خسارت گروه مصرف‌کنندگان می‌گردد را مورد پذیرش قرار داد.^۲

شرایط لازم برای اقامه دعوای جمعی مطابق ماده ۲۳ از مجموعه قوانین فدرال درباره آیین دادرسی مدنی به دو دسته شرایط عمومی و شرایط موردی تقسیم می‌گردد که عبارت‌اند از:

الف) شرایط عمومی: تحقق چهار شرط اصلی برای اقامه دعوای گروهی ضروری است:

(۱) تعداد فراوان افراد گروه: تعداد اعضای گروه به حدی زیاد باشد که اجتماع همه آنها در دادرسی غیرممکن باشد. در بسیاری از دعوای جمعی آنتی‌تراست این شرط به سهولت محقق می‌گردد؛ زیرا در بسیاری از موارد جمع زبان‌دیدگان از صدها بعضاً میلیون‌ها خریدار که متحمل زیان شده‌اند تشکیل می‌گردد.

(۲) اشتراک حقوق و حادثه رخ داده میان افراد گروه: حوادث مشابه ناشی از رفتارهای ضد رقابتی در دعوای آنتی‌تراست، عموماً تأثیرات گسترده‌ای در پهنه بازار برجا می‌گذارد. بدین شکل تقاضای مشابه خواهان‌ها به جبران تأثیرات سوء رفتارهای غیر قانونی، تقریباً همیشه این شرط را برآورده می‌سازد.

(۳) ادعاها و دفاعیات نماینده افراد، مشابه ادعاها و دفاعیات افراد گروه است: یعنی خواسته‌های نماینده گروه و اعضا از یک جنس باشد تا منافع اعضای گروه در غیاب آنها تأمین شود.

(۴) نماینده افراد به صورت منصفانه از منافع اعضای گروه حمایت کند: در صورت فقدان این شرط اعضای گروه می‌توانند ادعا کنند که به موجب تصمیم دادگاه از مطالبات برحق خود محروم شده‌اند.

ب) شرایط موردی: هر دعوای گروهی علاوه بر حائز بودن شرایط چهارگانه اصلی بند الف) ماده ۲۳، الزاماً باید مشمول یکی از اقسام دعوای گروهی بند ب) نیز قرار گیرد:

1. Enterprise Act 2002

2. Ibid, p. 596.

3. Fed. R.Civ.P.23(a)(1), "the class is so numerous that joinder of all members is impracticable".

4. Fed.R.Civ. P.23(a)(2), "there are questions of law or fact common to the class".

5. Fed.R.Civ. P.23(a)(3), "the claims or defenses of the representative parties are typical of the claims or defenses of the class".

6. Fed.R.Civ. P.23(a)(4), "the representative parties will fairly and adequately protect the interests of the class.

۱) پیگیری دعاوی مجزا توسط اعضای گروه یا علیه آنها با این خطر مواجه باشد که^۱: ۱.۱) آرای قضایی گوناگونی در ارتباط با اعضای گروه صادر شود که منجر به استقرار استانداردهای نامتناسب رفتاری در خصوص طرف مقابل گروه شود،^۲ ۱.۲) آرای قضایی صادره جداگانه، موجب محرومیت افرادی که مشمول دادرسی نبوده‌اند، از حق خود شده یا اینکه منجر به ایجاد موانعی برای حمایت از منافعشان گردد.^۳

۲) طرف مقابل گروه مرتکب انجام فعل یا ترک فعلی شده باشد که همه اعضای گروه را تحت تأثیر قرار دهد، به طوری که قرار منع نهایی یا حکم اعلامی متناظر با دعوا، متناسب با همه اعضای گروه باشد.^۴

۳) دادگاه احراز کند که حقوق و حوادث مشترک اعضای گروه، بر اشخاص غلبه داشته و دعوای گروهی برای احقاق حق منصفانه نسبت به هر روش ممکن دیگری ارجحیت داشته باشد.^۵

بنابراین راهکار دعاوی جمعی از یک سو با فراهم ساختن امکان طرح دعوای خسارت تعداد زیادی از زیان‌دیدگان، به کارکرد جبرانی مسئولیت مدنی نیز جامعه عمل می‌پوشاند و از نظر اقتصادی نیز اقامه دعوا را هدفمند می‌کند. از سوی دیگر با افزایش مسئولیت بالقوه خواندگان (نقض‌کنندگان قواعد رقابت) عاملی در راستای بازدارندگی نسبت به نقض قواعد از سوی متخلف و دیگر افراد جامعه در آینده می‌باشد.

وانگهی، توسل به تأسیس دعوای گروهی با نظام حقوقی ایران بیگانه است، زیرا به موجب ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، اصل بر شخصی بودن دعاوی است. بنابراین افراد بدون داشتن سمت قانونی نمی‌توانند از سوی سایر افراد و بدون اجازه آنها اقامه دعوا کنند، به همین جهت، استفاده از سازوکار دعوای جمعی در ایران با تردیدهای جدی روبه‌رو است.^۶ فواید این شیوه سبب گردیده تا حقوق‌دانان با جستجو در متون

1. Fed.R.Civ. P.23(b)(1).

2. Fed.R.Civ. P.23(b)(1)(A).

3. Fed.R.Civ. P.23(b)(1)(B).

4. Fed.R.Civ. P.23(b)(2).

5. Fed.R.Civ. P.23(b)(3).

۶. فلاح، آرزو، دعوای گروهی با رویکرد حقوق فدرال آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۹۰. اما سؤال جالب‌توجه اینکه چنانچه از تقصیر شخصی به حیثیت جمعی و حرفه‌ای وکلا خسارتی وارد گردد، آیا خسارت مذکور قابل جبران می‌باشد؟ در پاسخ باید نقش عامل خسارت را به تفکیک بررسی نمود. فرض اول اینکه مقصر خود از وکلای عضو کانون باشد که به استناد ماده ۴۸ اصلاح آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۸۸/۳/۲۷ "وکیل در برابر اشخاص ثالث، مقامات قضایی و همکاران خود دارای مسئولیت مدنی می‌باشد و در صورت تقصیر باید از عهده خسارت وارده برآید ... " می‌توان حکم به مسئولیت مدنی عامل در برابر خسارت وارده به حیثیت جمعی و حرفه‌ای وکلا

قانونی، مفاهیم مشابه دعوی گروهی را شناسایی و از آن استفاده نمایند. همچنین برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده باید از مزایای طرح دعوی گروهی بهره برد. بدین شکل که سازمان‌های حمایت از مصرف‌کننده اختیار طرح دعوی خسارت از سوی تعداد زیادی مصرف‌کننده بر علیه عامل زیان را دارا باشند. وانگهی، نباید از ظرفیت‌های موجود از جمله ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیکی و آیین‌نامه اجرایی آن در مسیر اجرایی شدن دعوی گروهی، هرچند در حوزه‌ای خاص، غافل بود.^۱

← داد؛ فرض دوم حالتی است که خسارت وارده به وکلا ناشی از تقصیر شخصی خارج از صنف وکلا است که به استناد قواعد عام حاکم بر مسئولیت مدنی بالأخص مواد ۲ و ۱ قانون مسئولیت مدنی حکم به ضمان عامل به حیثیت جمعی وکلا صادر می‌نمائیم؛ سؤال بر اهمیت دیگر نقش کانون وکلا در اقامه دعوی جمعی مسئولیت مدنی علیه عامل خسارت است اینکه آیا کانون وکلا می‌تواند بدون داشتن نیابت از وکلای عضو جبران خسارت وارده به وکلا را رأساً بخواهد؟ در پاسخ به سؤال مذکور باید به نقش رئیس کانون وکلا به عنوان نماینده قانونی کانون توجه داشت. حال در این رابطه به دو مصوبه اشاره می‌نماییم. ماده ۲ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ با اصلاحات بعدی: " ... هیئت‌مدیره عهده‌دار امور مربوطه به کانون بوده و رئیس هیئت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است. رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد." و ماده ۲۰ آئین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ وزیر دادگستری با اصلاحات بعدی: «رئیس کانون وکلا نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام می‌دهد ...» بر این اساس رئیس کانون وکلا به عنوان نماینده قانونی کانون‌های متبوعه از وکلای عضو کانون نیابت دارد تا بتواند در تمام مراجع رسمی از جمله محاکم دادگستری اقامه دعوا نماید.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد موانع و راهکارهای توسل به راهکار دعوی گروهی ر.ک: محسنی، حسن؛ غفاری فارسائی، بهنام؛ و نفیسه شوشی‌نسب، «دعوی جمعی و نقش آنها در احقاق حقوق مصرف‌کنندگان»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص. ۱۷۹-۱۷۲.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته، باید اذعان داشت به سبب ویژگی‌های خاص خسارات ناشی از رویه‌های ضدرقابتی و محدودیت‌های ناظر بر جبران آنها نمی‌توان صرفاً به قواعد کلی مسئولیت مدنی متوسل شد. به همین جهت لازم است که مسئولیت بر مبنای ضرورت حمایت از «حق به رسمیت شناخته‌شده» تحلیل و سپس شیوه‌های جبران خسارت در حقوق رقابت بررسی شود. البته همان‌گونه که در سطور فوق اشاره شد، نظریه ضرورت حمایت از «حقوق به رسمیت شناخته‌شده» خود جلوه‌ای بدیع از نظریه «تضمین حق» در نظام مسئولیت مدنی می‌باشد. نگارندگان با توجه به ویژگی‌های خاص حقوق رقابت ضروری تشخیص دادند تا برای مقابله با خسارات ناشی از رویه‌های ضدرقابتی، تفسیری متناسب با نظام حقوقی از نظریه تضمین حق ارائه دهند. بدین نحو، از یک سو از حقوق به رسمیت شناخته‌شده حمایت می‌شود و از سوی دیگر، شیوه‌های اثبات و جبران خسارات نامشروعی که در حوزه حقوق رقابت وارد می‌شود تسهیل و به کارکردهای ترمیمی و پیشگیرانه مقررات حاکم معنی می‌بخشد.

تدقیق در آنچه که نگاشته شد طراحی نظام مسئولیت مدنی ویژه‌ای در حقوق رقابت را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید تا بتوان با توسل به راهکارهای خاص، از جمله سه برابر نمودن خسارت قابل پرداخت، مسئولیت مشترک عاملان رویه‌های ضدرقابتی و قابل جبران دانستن ضرر اقتصادی، هرچند که در نظام مسئولیت مدنی سنتی جایگاهی ندارند، خسارات وارده به زیان‌دیدگان مورد حمایت حقوق رقابت را جبران نمود. علاوه بر این، خاص بودن نظام جبران خسارت که دارای اهدافی چندلایه است، با قواعد کلی متفاوت است. ترمیم خسارات زیان‌دیدگان در مسئولیت مدنی به گذشته نظر دارد که هدفی کوتاه‌مدت محسوب می‌شود؛ حال آنکه از دیدگاه حقوق رقابت به جلوگیری از ورود خسارات آینده نیز توجه می‌شود.

در خصوص راهکارهای طرح دعوا نیز این تمایز چشم‌گیر است. از شیوه‌های کارآمد در حقوق رقابت پذیرش دعوای خصوصی زیان‌دیدگان علیه عاملان خسارت بدون توجه به دخالت نهادهای عمومی و دولتی است که به رغم مشکلات موجود مسیر جبران خسارت زیان‌دیدگان را هموار می‌سازد. تعدد زیان‌دیدگان ناشی از رویه‌های ضدرقابتی و میزان اندک خسارات هر یک از آنان تناقضی را در این زمینه ایجاد نموده است، زیرا خساراتی که به هر یک از افراد وارد می‌شود، هر چند ممکن است به ظاهر اندک به نظر رسد، ولی در مجموع قابل توجه است.

گرچه طرح دعوای خصوصی چنین خسارتی از لحاظ اقتصادی غیرقابل‌توجیه است، ولی چاره تنها در استفاده از تأسیس حقوقی طرح دعوای جمعی نهفته است.

بدین وسیله با اجتماع دعاوی تمام زیان‌دیدگان در یک دعاوی واحد در وهله نخست، اقامه دعاوی خسارت علیه عاملان زیان از لحاظ اقتصادی توجیه و در وهله دوم با به کارگیری راهکار مزبور و با استناد به مفهوم «خسارت تنبیهی» هدف بازدارندگی از انجام اعمال ضدرقابتی توسط دیگر بنگاه‌ها در آینده امکان‌پذیر می‌گردد.

منابع

- بادینی، حسن، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از رقابت نامشروع تجاری»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۲، شماره ۴، ۱۳۹۱.
- غفاری فارسانی، بهنام، حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- فلاح، آرزو، دعوای گروهی با رویکرد حقوق فدرال آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: ضمان قهری - مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت و مسئولیت)، چاپ چهل و یکم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲.
- محسنی، حسن؛ غفاری فارسانی، بهنام؛ و نفیسه شوشی نسب، «دعای جمعی و نقش آنها در احقاق حقوق مصرف کنندگان»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- وکیلی مقدم، محمدحسین، توافقات ضد رقابت تجاری، تهران، نشر میزان و کتاب همگان، ۱۳۸۹.
- Becker, Gary; and George Stigler, "Law Enforcement, Malfeasance, and Compensation of Enforcers", *The Journal of Legal Studies*, vol. 3, No. 1, 1974.
- Carty, Hazel, *An Analysis of the Economic Torts*, London, Oxford University Press, 2010.
- Dam, Kenneth, "Class Actions: Efficiency, Compensation, Deterrence and Conflict of Interests", *Journal of Legal Studies*, vol. 4, No. 1, 1975.
- Gallo, Joseph; and others, *Criminal Penalties under the Sherman Act: A Study of Law and Economics*, Research in Law and Economics (Book Series), Vol. 16, 1994.
- Hovenkamp, Herbert, "A Primer on Antitrust Damages", University of Iowa Legal Studies Research Paper, 2011.
- Jones, Clifford, *Private Enforcement of Antitrust Law in the EU, UK and USA*, London, Oxford University Press, 2010.
- Koziol, Helmut; and Vanessa Wilcox (eds.), *Punitive Damages: Common Law and Civil Law Perspectives*, New York, 2009.
- Lande, Robert; and Joshua Davis, "Comparative Deterrence from Private Enforcement and Criminal Enforcement of the U.S. Antitrust Laws", University of San Francisco Law Research Paper No 14, 2010.
- Landes, William; and Richard Posner, "The Private Enforcement of Law, *The Journal of Legal Studies*", vol. 4, No. 1, 1975.

-
- Melamed, Douglas, Afterword: The Purrrposes of Antitrust Remedies, Antitrust Law Journal, vol.76, 2009.
 - Polinsky, Mitchell, "Private versus Public Enforcement of Fines", Journal of Legal Studies, vol. 105, 1985.
 - Polinsky, Mitchell; and Steven Shavell, "The Optimal Use of Fines and Imprisonment", Journal of Public Economics, Vol. 24, 1984.
 -□ "The Optimal Use of Nonmonetary Sanctions as a Deterrent", The American Economic Review, vol. 77, No. 4, 1987.
 -, "Punitive Damages: An Economic Analysis", Harvard Law Review, vol. 111, 1998.
 - Segal, Ilya; and Michael Whinston, "Public vs. Private Enforcement of Antitrust Law: A Survey", John M. Olin Program in Law and Economics, Stanford Law School, Working Paper No.335, 2006.
 - Wouter, Wils, "Should Private Antitrust Enforcment Be Encouraged in Europe?" World Competition, vol. 26, Issue 3, 2003.